**امر سیاسی به مثابه عمل اخلاقی در نهج البلاغه**

**الناز پروانه زاد**

دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

e.parvanezad@modarse.ac.ir

**چکیده**

انواع تلقی فلاسفه اخلاق و اندیشمندان علوم سیاسی از رابطه اخلاق(ethics) و سیاست ((politics مساله ای است که همواره با مناقشات نظری فراوانی توام بوده و تبیین مناسبات میان این دو موضوع را دشوار کرده است. هدف اصلی در این مقاله بررسی رابطه امکانی میان فضایل اخلاقی-دینی و عمل سیاسی-حکومتی امام علی (ع) است که با رجوع به متن نهج البلاغه، برخی مصادیق آن مورد مطالعه قرار می گیرد؛ زیرا نگرش آن حضرت به موضوعات سیاسی، عموما نگرشی بر اساس فضایل اخلاقی است که در پرتو عقلانیت و فطرت انسان صبغه ای وجودانگار (ontological) می یابد. در این یافته، صلح و دوستی و مدارا و خردمندی از مهم ترین خصایلی هستند که به عمل سیاسی آن حضرت وجاهت می دهد و زیسته سیاسی ایشان را چونان منظومه ای از روش های اخلاقی نمایان می کنند. برآیند چنین روی آوردی ما را به این پرسش سوق می دهد که چگونه می توان به قرابتی معنادار بین فضایل اخلاقی و تکاپوهای سیاسی در نهج البلاغه پی برد؟ لذا در این نوشتار برآنیم تا در تطابق مفهومی اخلاق و سیاست از یک سو و نحوه عمل حضرت علی (ع) از سوی دیگر، به پاسخی دست یابیم که بر اساس آن، آموزه های سیاسی-اجتماعی نهج البلاغه به مثابه الگوی فضایل اخلاقی بوده و در عمل سیاسی مبتنی بر اخلاق متعالی تجلی یافته است. روش تحقیق در این مقاله قرائت تفسیری-تحلیلی می باشد که مبتنی بر هرمنوتیک روشی عام است.

**واژگان کلیدی:** امر سیاسی، اخلاق، نهج البلاغه.